

در رابطه با موجودی به نام انسان و ماهیت آن نظریات متعددی مطرح شده است. عده ای از افراد که در طول زمان تعداد آنها نیز افزایش پیدا کرده است معتقدند انسان دارای یک بُعد جسمانی است که با فرا رسیدن مرگ مسیرش به فرجام نهایی میرسد. عده ای دیگر که گروه غالب هستند (اکثریت) بر این باورند که انسان دارای دو بُعد جسمانی و روحانی (روح) است و پایان بُعد جسمانی (مرگ) نقطه شروع مسیر بُعد روحانی میباشد. ضمنی باورها برای بُعد از مرگ به دو رشته تقسیم میشود. رشته اول گوینده این اند که روح وارد جهان دیگری میشود و رشته دوم ادعا میکنند که روح از جسمی به جسم دیگر وارد شده و به عبارتی محدود به همین دنیا میشود. از نظر من تمام این باورها مربوط به پیش از زمان تکامل است آنها محصور شده در زمان هستند و کامل نیستند. من میگوییم انسان دارای سه بُعد وجودی است. روح، جسم، ذهن.

توانایی های ذهنی انسان و کارهایی که در طول تاریخ توسط هوش افراد انجام شده است مهمترین دستاورد های بشریت را رقم زده اند. بر این سند ذهن نه تنها در اسارت جسم نیست بلکه قسمتی جدا از آن است و به شکلی پیچیده و بسیار پیشرفته از همزیستی با جسم

رسیده است . ارتباطش با روح را میتوان در شکل
گیری شخصیت و مهم ترین محل تفکیک خوب و بد
بودن و کانون ذات بشری دانست . ما با در نظر داشت
روابط پیچیده و گاهی مبهم این سه بعد میتوانیم خود
را تکامل یافته و موجودی به کمال رسیده یابیم.

